

خیام شناسی در ژاپن

دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا - ژاپن

درآمد سخن

رباعی‌هایی که سروده خیام شناخته شده در ایران خوشایند کسانی که لفظ و صورت آنرا برگرفته‌اند نبوده است. اما با ترجمه استادانه‌ای که، در میانه قرن نوزده، از مفاد آن به زبان انگلیسی شد، خیام و رباعی‌های او شهرتی جهانی‌گیر یافت.

ناصر ناطق (ایران از نگاه گوینو، تهران، ۱۳۶۴، ص ۶۴) می‌نویسد: «نام خیام که در مجمع‌الفضحا با قید «بدنام است» همراه بود بر اثر ترجمه‌های استادانه فیتزجرالد و دیگر مترجمان فرانسوی و آلمانی در سراسر جهان در ردیف بزرگترین شعرا وارد زبانها شد.» مرحوم سعید نفیسی در مقدمه خود بر کتاب رباعیات خیام (تهران، کتابخانه فردوسی، ۱۳۰۶) در ترجمه حال او می‌نویسد: «مؤلف تاریخ الفی خیام را صاحب مذهب تناسخ می‌داند. ابن قفطی می‌نویسد که به تطهیر حرکات بدنی برای تنزیه نفس انسانی کوشش می‌کرد و سیاست مدنی را بر قواعد یونانی لازم می‌شمرد و به همین جهت صوفیان او را از خود می‌دانند. نظامی عروضی نگاشته است که احکام نجوم می‌کرد ولی در نجوم اعتقادی نداشت.» (ص ۱۳)

«مؤلف تاریخ الفی و نگارنده احسن‌القصاص ذکر کرده‌اند که در نیشابور مدرسه کهنه‌ای بود که آنرا تعمیر می‌کردند و خری که بار می‌کشید به مدرسه داخل نمی‌شد. خیام برابر او رفت و آن رباعی معروف را بخواند و خر داخل مدرسه شد، چون ازو سبب پرسیدند، گفت: روح مدرس این مدرسه در خر حلول کرده است و چون بدانست که من او را شناختم در شرم شد و نتوانست داخل

موضوع این نوشته خیام‌شناسی در ژاپن است و بررسی اینکه خیام و رباعیهای معروف‌شده به نام او را در ژاپن از کی و چگونه شناخته‌اند و چه کسانی در معرفی خیام اهتمام داشته و او را چطور شناسانده‌اند. در اینجا ما را با این‌که آیا این رباعیها براستی سروده خیام است یا منسوب به او یا اینکه خیام شاعر همان خیام حکیم و ریاضیدان و عالم است یا نه، کاری نیست.

زمینه تاریخی

رباعی‌های خیام بیشتر با روایت فیتزجرالد Edward Fitzgerald به ژاپنی‌ها شناخته و شناسانده شده است، با تکیه و تأکیدی که در بازپردازی این ادیب انگلیسی بر «لحظه را دریافتن» و «زندگی را خوش گذراندن» در هستی این جهانی که آغاز و فرجام آن ناپیداست، هست. شعر و ادب ژاپن هرچند که با این مفاهیم چندان انس ندارد، اما یکسره هم از آن بیگانه نیست. نمونه آترا می‌توان در قطعه‌هایی از قدیم‌ترین مجموعه شعری ژاپن به نام مانیوئوشو Man'yōshū، که در سده هشتم میلادی فراهم آمده است، یافت، و بویژه در شماری از سروده‌های او، تو مو - نو - تایتو Ōtomo-no-Tābitō در این مجموعه و با عنوان «در ستایش باده». ترجمه فارسی چند قطعه از این میان با آوردن سخنی نزدیک از خیام در برابر هر کدام، در زیر می‌آید:

در پرده اسرار کسی راه نیست	بر سر کار جهان
زین تعبیه جان هیچکس آگه نیست	بیهوده
جز در دل خاک هیچ منزلگه نیست	پای فشردن تا چند؟
می‌خور که چنین فسانه‌ها کوتاه نیست	خوشتتر آنست که برگیرم
	از باده صافی جامی

(قطعه ۳۳۸)

از آمدن بهار و از رفتن دی	گفته‌اند:
اوراق وجود ما همی گردد طی	هفت فرزانه دنیای قدیم ^۲
می‌خور، مخور اندوه، که فرموده حکیم	باده‌شان بود فراوان بکنار
غمهای جهان چو زهر و تریاقش می	تا شب و روز، چو ما،
	جام از دست فرونگذارند.

(قطعه ۳۴۰)

تا چند اسیر عقل هرروزه شویم	دلخسته و بی‌سرمنزل
در دهر، چه صدساله چه یکروزه شویم	بندی سرگردانی تا چند؟
دریده تو بکاسه می از آن پیش که ما	کوزه‌ای خواهم شد

لبریز از بادهٔ ناب نوشین
تا سراپا همه سیراب شوم

در کارگه کوزه‌گران کوزه شویم

(قطعهٔ ۳۴۳)

گنج افسانه‌ای عالم
هرچند که بی سنگ و بهاست:
باز، از جامی
لبریز از بادهٔ ناب نوشین
بیش نیرزد.

تا زهره و مه در آسمان گشت پدید
بهنتر ز می ناب کسی هیچ ندید
من در عجبم ز می فروشان کایشان
زین به که فروشند چه خواهند خرید

(قطعهٔ ۳۴۵)

زندگانرا فرجام
همه چون مرگ و فناست،
بهنتر آنست که ما
لحظه را دریابیم
داد دل را ز خوشی‌های جهان بستانیم.

خیام اگر ز باده مستی خوش باش
با ماه‌رخ‌ی اگر نشستی خوش باش
چون عاقبت کار جهان نیستی است
پندار که نیستی، چو هستی خوش باش

(قطعهٔ ۳۴۹)

این قطعه‌ها، مانند بیشتر شعرهای مانیو، شو، از گونهٔ تانکا Tanka – شعر کوتاه پنج‌پارهٔ ۵، ۷، ۷ و ۷ هجایی (بر رویهم ۳۱ هجا) – است.

اوه‌تومو – نو – تایتو (۷۳۱ – ۶۶۵)، سرایندهٔ این قطعه‌ها، پس از سرکوب کردن قبیله‌ای سرکش در کیوشو Kyushu، ایالت جنوب‌غربی ژاپن، والی دازایفو، حکومت‌نشین این ایالت، شد و آنجا ماند، تا که در شصت و شش‌سالگی، یکسال پس از بازگشتنش به نارا، پایتخت، درگذشت. در سالهای دوریش از نارا، امپراتور شوه‌مؤ Shōmu بر تخت نشسته، خاندان فوجی‌وارا Fujiwara قدرت بسیار یافته، و نفوذ خاندان اوه‌تومو که در سده‌های ششم و هفتم رو به فزونی داشت تندکاهش یافته بود. ناخوشنودی و بیقراری او از رانده شدن به حکومت ولایتی دوردست و احساس وی از گردش روزگار را می‌توان در «۱۳ قطعه در ستایش باده» در مجموعهٔ شعری مانیو، شو، که احتمالاً در سالهای ۷۵۹ تا ۷۷۸ فراهم آمده است، یافت (قطعه‌های ۳۳۸ تا ۳۵۰ از کتاب سوم مانیو، شو). این شعرهای او، چون رباعی‌های خیام، بر زمینهٔ نفی‌گرایی است و، با اینهمه، سرشار از روح انسانی و عشق به طبیعت و زندگی.

در آغاز کتاب پنجم مانیو، شو هم قطعه‌های متنوع از اوه‌تومو – نو – تایتو آمده است (شماره‌های ۷۹۳، ۸۰۶، ۸۰۷ و پس از آن) با پیش‌سخن‌هایی از خود او که حال و هوای بودایی دارد، و در آن از رنج و اندوه خود و از آرایشهای این جهان می‌گوید.

سیزده شعر کوتاه اوه‌تومو در وصف باده برای رنگ و رایحهٔ تند چینی آن و حال و هوای پراحساسی که دارد ممتاز است، حال آنکه شعرهایی که او در سوک همسر و غم تنهایی خود در

پیری سروده شاهکارهایی شناخته شده که جایگاهی بلند در شاعری به وی داده است. شعرهای او در وصف باده نظر ادب‌شناسان ژاپن را به خود داشته، و از آن میان کاتو شوایچی Kato Shuichi نوشته است: «آنچه که این شعرها به ادب قدیم چین مدیون است (مانند تصویر «حکیم بزرگ قدیم» که «باده» را «فرزانه» نام داد (قطعه ۳۳۹)؛ اندیشه «هفت حکیم نیستان‌نشین» باده‌پرست (قطعه ۳۴۰)؛ «خوشتر بودن اینکه کوزه باده باشیم تا آدمی» (قطعه ۳۴۳)، که همه در شعر چین نمونه و مانند دارد) پیشتر از سوی آئوکی ماساجی Aoki Masaji یاد شده و در نوشته او با عنوان شینا بونگا کوی جوتسو Shina Bungaku Geijutsu - سال ۱۹۳۱ - آمده است. نیز، تعبیرهایی مانند «گنجینه بی‌بها» (قطعه ۳۴۵) و «چرا پروا کنم که در زندگی آینده‌ام پرنده‌ای یا پشه‌ای باشم» (قطعه ۳۴۸) به وضوح از اندیشه بودایی گرفته شده و در شعرهای دیگر تایتو نشان روشنی نیز از تعالیم تائویی هست.

این «سیزده قطعه در ستایش باده» جز به تأثیر مستقیم ادب چین نمی‌توانست نوشته شود، و باز دشوار می‌توان انگاشت که دانش تایتو از ادب چین چندان بوده است که در ستایش باده بسراید:

به سخن جلوه فروشی و
خردمند نمایی تاکی؟
خوشتر آنست که
در باده بشویم خرد و
گریه مستانه کنم.

(قطعه ۳۴۱)

تعبیر «گریه مستانه» در سه شعر از این سیزده قطعه آمده، و این همان اثر باده و وصف شده در سخن لیو لینگ Liu Ling یا لی پو Li Po (شاعران معروف چین) نیست، و روشن است که تایتو در اینجا باید احساس خستگی و دلزدگی خود را بازگفته باشد. در ژاپن قدیم معمول نبود که چنین احساسی را در شعر تفزلی بیاورند. این احساس تایتو هرچند که از دل برآمده باشد، بیان آن چنانکه در شعر زیر می‌بینیم فقط با آشنائیش به ادب چین ممکن بوده است:

اگر این زندگی
شاد سر آید،
چه پروایم دیگر
که در زندگی بازپسین
پرنده‌ای یا پشه‌ای باشم!

(قطعه ۳۴۸)

تقابل میان «این زندگی» و «زندگی دیگر» و عقیده به تغییر صورت دادن در زندگیهای گوناگون از تعالیم بودایی است، اما اهمیت ندادن به دنیای دیگر و شاد بودن در این دنیا از ارزشهای

بودایی نیست. شاید که این‌گونه «دم غنیمت شمردن» در جامعه اشراقی سده‌های هفتم و هشتم ژاپن چیزی پیش‌پا افتاده بوده، و با اینهمه، هیچ‌کس جز تایتو آترا با چنین بیان عام و مطلق نیآورده است. این بیان روشن فلسفه اپیکوری^۳ در سخن تایتو شعر او را با مرز روشنی از همه شعرهای درباری دیگر آروزگار متمایز می‌کند، و او را بیشتر نزدیک به، مثلاً، شاعران چینی اواخر سده چهارم جای می‌دهد.

می‌نوش ندانی ز کجا آمده‌ای

خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت

شاعری چینی به نام ته‌آنگ یوئه‌ن - مینگ Tang Yuen-ming که بیست قطعه در وصف «باده‌نوشی» نوشت، در شعرهایی در مفهوم مانند این، گفت که چون نمی‌داند که پس از مرگ بر او چه خواهد گذشت پس، به حکم دلش، این زندگی را به شادی می‌گذراند.^۴

در نقدی دیگر می‌خوانیم: «در مجموعه شعری مانیوئه شو گاه گرایشهای تأمل و خوداندیشی و تمایل به زندگی ساده می‌بینیم، که از تلفیق اندیشه‌های بودایی و تائویی برآمده و مفهومی تازه فرا آورده، یا که در تأیید فلسفه اپیکوری برای زندگی است. نمونه آن شعرهای تایتو در ستایش باده است. نباید از یاد برد که مکتب تائویی منبعی غنی از امثال و حکایات با ماهیت تخیلی برای شاعران فراهم ساخته است.»^۵

معرفی رباعیات خیام: ترجمه‌های آن

۱ - شناساندن خیام و شعر او در ژاپن به سده نوزده و نزدیک به یک قرن پیش بازمی‌گردد. در ماه سپتامبر ۱۸۹۶، هنگامی که ترجمه ادوارد فیتزجرالد از رباعیات در جهان غرب معروف شده بود، لافکادیو هرن Lafcadio Hearn ژاپن‌شناس نامی و مدرّس زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه سلطنتی ژاپن (دانشگاه توکیو کنونی) سخنرانی‌ای درباره رباعیات و ترجمه انگلیسی آن در این دانشگاه کرد. هرن در دنیای ادب ژاپن بخوبی شناخته شده است.^۶


۲ - کامبارا آریاکه Kambara Ariake که در سخنرانی هرن درباره خیام و شعر او حاضر بود چنان در تأثیر آن واقع شد که شش رباعی خیام را از روایت انگلیسی فیتزجرالد به ژاپنی درآورد و در سال ۱۹۰۸ منتشر کرد. ترجمه کامبارا آریاکه را نخستین معرفی خیام و شعر او به زبان ژاپنی دانسته و آترا برای زیبایی و شیوایی بیانی که دارد ستوده‌اند. موری ریو Mori Riō که سالها بعد ترجمه‌های بسیار استادانه و استوار از رباعی‌های خیام به ژاپنی پرداخت، در مقدمه کتاب خود (ص ۱۵۵) نوشته است که ترجمه کامبارا آریاکه از شش رباعی خیام کاری است هنرمندانه و ادبی. از آن پس تا چندسالی پیش بیش از ده ترجمه از رباعی‌های خیام به ژاپنی منتشر شده که بیشتر آن از برگردانها و بازپردازیه‌های انگلیسی به ژاپنی درآورده شده است. علت این وضع آن بوده که از اواخر سده نوزده ترجمه فیتزجرالد شهرت جهانی داشته و از آثار ارزنده ادب انگلیس شناخته می‌شده است. از سویی هم ژاپن تا نیمه قرن بیستم هنوز ایرانشناس آشنا به زبان فارسی

چندان نداشت.


۳- کاتانو فومیکچی Katano Fumikichi (۱۹۱۴-۱۸۸۴) رباعی های خیام را از روی برگردان انگلیسی مک کارتی Justin H. McCarthy به ژاپنی درآورد. کاتانو با پایان بردن این کار و در جوانی، درگذشت و ترجمه او مدتها پس از مرگش، در سال ۱۹۳۶، منتشر شد. کاتانو در دانشگاه کیئو Keio، در توکیو، ادبیات خواند و در آنجا به معلمی انگلیسی به نام ادوارد کلارک Edward Clarke برخورد که ترجمه انگلیسی رباعیات خیام را در درس خود معرفی می کرد، و شاید که به توصیه او بود که کاتانو رباعیات را به ژاپنی درآورد. کلارک مقدمه ای بر ترجمه کاتانو نوشته است. ترجمه ۴۶۶ رباعی در این کتاب آمده است. کثرت قطعه ها می تواند ازینجا باشد که این ترجمه، و مأخذ انگلیسی آن، شعرهای منسوب به خیام و روایت های گوناگون رباعی ها را نیز دربر دارد. برای نمونه، مضمون شعرهای شماره ۲۹، ۳۰، و ۳۱ در این ترجمه یکی است.

ترجمه کاتانو به نثر است، و شیوه ادبی و بیانی رسمی دارد و برای خواننده امروزی آسان فهم نیست. درباره کیفیت این ترجمه، موری ربو ادیب ژاپنی در مقدمه خود بر ترجمه ای که از رباعیهای خیام فراهم آورده گفته است (ص ۱۵۵) که بیان کاتانو فومیکچی سنگین است و سخت، مانند سرنوشت و زندگی آدمی، و در آن لطف و نرمی کمتر می توان یافت. کتاب چاپ شده از ترجمه کاتانو زیبا و پاکیزه است و چند نقاشی سیاه قلم ژاپنی (سومی - نه Sumi-e) به تناسب حال و هوای شعرها در آن آمده است.

トツコイバル
譯古文野片



版四早紙



昭和十一年六月十五日發行
昭和十一年六月二十日發行

定價 壹圓

發行所 片野 女 子
澤田 伊 四 郎
川 崎 印 刷 所

發行所 龍 泉 閣

روی جلد، صفحه عنوان کتاب رباعیات خیام، ترجمه کاتانو فومیکچی (این نوشته ها همه از راست به چپ و از بالا به پایین است که نمونه ای است از شیوه نگارش قدیم در ژاپن).

۴ - آراکی شیگهرو Araki Shigeru نخستین کسی بود که رباعیهای خیام را با مراجعه به متن اصلی فارسی به ژاپنی درآورد. کتاب او به نام «عمر خیام و رباعیات» Omar Khayyam to Robayat که ترجمهٔ ۱۵۸ رباعی را دارد، در سال ۱۹۳۰ منتشر شد. آراکی پیشگام ایرانشناسی در ژاپن بود. او در امریکا در رشته ایرانشناسی و زبانشناسی تحقیق کرده بود، و رباعیات را بر اساس ترجمهٔ انگلیسی هرون الن Heron Alen و با تطبیق با متن فارسی، به ژاپنی درآورد (موری ریوه، ص ۱۵۶). ترجمهٔ او را دانشمندان و هنرمندان می‌دانند، با بیانی نرم و لطیف (همانجا).

شیگهرو آراکی پس از این ترجمه، کتاب معتبری در تاریخ ادبیات ایران تألیف کرد، با عنوان «پرشیا بونگاکو شی کوه» Perushiya Bungaku Shi Ko (ادبیات قدیم ایران) (نشر ایوانامی Iwanami، توکیو، ۱۹۲۲). او در این کتاب به سابقهٔ معرفی خیام در مقدمهٔ ترجمهٔ خود از رباعیات، آورده است: «خیام معروفتر از آنست که به شرح حال و معرفی او پرداخته شود.» (ص ۲۵۳)

۵ - تاکه‌تومو سوفو Taketomo Sôfu ترجمهٔ خود را از ۱۱۰ رباعی خیام در سال ۱۹۲۱ منتشر کرد (نشر آروسو Âruso، توکیو). او رباعی‌ها را از روایت انگلیسی فیتزجرالد به ژاپنی برگردانده، و کتاب خود را به یوسانو کان Yosano Kân، همسر شاعره و ادیب معروف ژاپنی، یوسانو آکیکو Yosano Akiko، تقدیم کرده است.

تاکه‌تومو در مقدمهٔ کتاب خود خیام و شعر او را چنین معرفی می‌کند: «خیام در قرن دهم (میلادی) در نیشابور زاده شد و چادردوز، منجم، و شاعر عاشقانه‌سرا بود: او فریاد شک و انکار و اعتراض برداشت و گفت که باید شاد بود و در پی بیداری جان (عرفان) رفت. این چیزها مایه و عنصر هنر والا و شکوهمند اوست. او در سرودن، شیوهٔ رباعی یا چهارپاره را اختیار کرد. به اعتبار شعر چینی، چهارپارهٔ او کی Ki، شو Sho، تن Ten، و کیتسو Ketsu (به ترتیب، مصراعهای اول تا چهارم) است. «کی» طرح موضوع است، «شوه» پاسخ است، «تن» نقل و ربط موضوع است، و «کیتسو» نتیجه‌گیری یا جمع‌بندی کلام است. شیوهٔ رباعی شبیه تانکا (شعر ژاپنی پنج‌پارهٔ ۵، ۷، ۵، ۷ و ۷ هجایی) یا سونت Sonet است. فیتزجرالد، به نام ترجمه، خود سرود و چیزهایی به سخن خیام افزود و شعری تازه ساخت که دیگر شعر فارسی نیست، شعر انگلیسی دورهٔ ویکتوریا VICTORIA است. رباعیات در فکر و محتوا شبیه افکار افلاطون است یا ری‌هاکو Ri Haku (لی پو Li Po، که ژاپنی‌ها او را ری‌هاکو می‌خوانند، شاعری چینی بود که میان سالهای ۷۰۱ تا ۷۶۲ می‌زیست). ما ژاپنی‌ها رباعیات را از دید و احساس فیتزجرالد شناخته‌ایم.» موری ریوه در مقدمهٔ ترجمهٔ خود از رباعیهای خیام می‌نویسد که تاکه‌تومو سوفو هر مصراع از رباعی را به شعر «تانکا» Tankâ ی ژاپنی درآورده و در قالب ۵، ۵، ۷ هجایی نهاده و برای خوانندهٔ ژاپنی مانوس ساخته است. ترجمهٔ او زبانی شاعرانه دارد و آسان‌فهم است. اما زبان آن شیوهٔ دههٔ دوم قرن بیستم است و امروزه کهنه می‌نماید.



大正十年三月十日印刷
大正十年三月十五日發行

定價金壹圓三拾錢



著者 竹友 葵風
東京市神田區中區町十五番地
發行所 アリス社
發行者 北原 鐵雄
東京市神田區中區町十五番地
發行者 鈴木 木泉
東京市小石川區久野町四十五番地
印刷者 山本源太郎

東京市神田區仲猿樂町十五番地

合衆
社
アリス
總發東京二區八八八番
電話九段二一六九番



鼓溪平明輯集記

さめよかし。かなた東の丘越えて、
日は星のつど、ひを夜よりやらひたり。
上りゆく天の原より、ひやうと射て、
スルタンのかくちを撃てり 光の矢。



صفحه عنوان و شناسنامه کتاب رباعیات خیام، ترجمه تاکه تو موسوفو (بالا) و نخستین رباعی و تصویر مقابل آن (پایین). در این کتاب هم به شیوه نگارشی قدیم ژاپن مطالب از راست به چپ و از بالا به پایین آمده است.

۶- یانو هوءجین Yano Hōjin به دو ترجمه از رباعیات پرداخت. ترجمه اول او، شامل یکمصد قطعه، در سال ۱۹۳۵ در نسخه‌های محدود منتشر شد. موری ربیوه درباره ترجمه یانو می‌نویسد: «او هم در ترجمه رباعی‌ها، هر پاره یا مصراع شعر را به قالب ۷ و ۵ هجایی (مانند شعر هایکو Haiku) درآورد تا برای خواننده ژاپنی آشنا باشد. زبان این ترجمه روشن و رسا است و به صافی بلور.»

یانو هوءجین در سالهای نا آرام پس از اشغال منچوری و پیش از جنگ دوم ترجمه‌ای دیگر از رباعیات به همان قالب (۷ و ۵ هجایی)، اینبار از ۷۵ قطعه آن، فراهم کرد. این کتاب در سال ۱۹۳۸ منتشر شد، و ناشر آن نیکوسان Nikkōsan بود.

آشی کاگا آتسوجی Ashikaga Atsuji ایرانشناس نامور ژاپنی در یادداشت‌های سفر خود در ایران و در سخن از خیام، از رباعی‌های ترجمه یانو نقل کرده و آنرا با ترجمه آراکی شیگه‌رو و روایت فیتزجرالد (که یانو خود از این متن برگردانده) مقایسه کرده است (آشی کاگا، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۸).

۷- موری ربیوه Mori Riō ادیب و سخن‌شناس ژاپنی به دو ترجمه از رباعیات پرداخت. ترجمه نخستین او که زبان و قالبی ادبی داشت در سال ۱۹۴۱ منتشر شد. موری پس از آن ترجمه‌ای ساده و آسان‌فهم برای خوانندگان عادی فراهم کرد که ۷۵ قطعه در آن آمده و نیز نرم و دلنشین است. اوگاواربیوه ساکو Ogawa Riōsaku در مقدمه ترجمه خود از رباعیهای خیام که در سال ۱۹۴۸ منتشر شد، ترجمه ادبی موری را بهترین ترجمه رباعیات (که تا آن زمان به ژاپنی در دست بوده) دانسته است (ص ۱۵۹).

ترجمه دوم و ساده موری از رباعیات خیام بارها تجدید چاپ شده، که چاپ سال ۱۹۸۶ (نشر کوکو شو کانکوئه کای Kokusho Kankōkai) از آخرین آنهاست. این کتاب شرح شعرها و نیز معرفی ترجمه‌های رباعیات و احوال خیام را ضمیمه دارد، و نیز جابه‌جا مزین به تصویرها است.

موری ربیوه برای چاپهای متاخر ترجمه آراکی شیگه‌رو از رباعیات خیام هم مقدمه نوشته است.

۸- ترجمه هوری‌ئی ربیوه Horii Riōho از رباعیات خیام در سال ۱۹۴۷ منتشر شد (نشر نامبوکو شو تین Namboku Shoten، توکیو). این کتاب اثری مهم و ماندنی در ادب ژاپن داشت. در مقدمه ترجمه موری ربیوه از رباعیات آمده است: «هوری‌ئی ترجمه خود را در سال ۱۹۴۷ در کره، که در آنجا زندگی می‌کرد، فراهم آورد. در مقدمه این کتاب می‌خوانیم که او این ترجمه را از روایت انگلیسی فیتزجرالد از رباعیات (چاپهای اول و چهارم آن) کرد و در جریان این کار مضمون و پیام شعرها را به طبع خود پرداخت. دازای اوسامو Dazai Osamu نویسنده شهره ژاپنی که یازده قطعه از شعر خیام را میان داستان معروف خود به نام نینگن شیکاکو Ningen Shikaku آورده، این رباعی‌ها را از ترجمه هوری‌ئی برگرفته است.»

ترجمه هوری‌ئی ۱۰۱ رباعی دارد و روایتی است آزاد، نه شعرگونه، و به زبان ساده، اما بیانی مردانه دارد، نه چندان نرم و لطیف. روایت هوری‌ئی از رباعیات جای‌جای عبارت‌ها و تعبیرهای زیبا دارد.

بررسی زمینه کار هوری‌ئی در ترجمه رباعیات خیام به ژاپنی دو مبحث را پیش می‌آورد: یکی درباره نخستین شعرهای فارسی راه‌یافته به ژاپن، و دیگر نقل چندین رباعی خیام ازین ترجمه در داستان ژاپنی نینگن شیکاکو نوشته دازای.

شعر فارسی در ژاپن

در میانه تحقیق و کوشش هوری‌ئی برای ترجمه شعر خیام، ابیاتی که نخستین سروده‌های فارسی راه‌یافته به ژاپن شناخته شده است مورد توجه واقع شد. شین‌مورا ایزورو Shinmura Izuru در مقدمه‌ای بر ترجمه هوری‌ئی از رباعیات، با عنوان «در بزرگداشت هوری‌ئی فقید»، می‌نویسد: «او محقق منابع ایرانی و کتابدار کتابخانه ملی کره بود و در آنجا زندگی می‌کرد. ترجمه خیام را نیز در همان‌جا به انجام رساند و آنرا در سوئل (که ژاپنی‌ها آنرا کی‌جوه Keijō می‌خواندند) به هزینه خود چاپ کرد. او برای این کار منابع زیادی را بررسیده و در این میان دریافته بود که شین‌مورا ایزورو، کتابداری که ناشر دائرةالمعارف و ماهنامه‌ای ادبی به نام تین‌سه‌کی گیوه‌دان Ten Seki Giō Dān است در شماره سال ۱۹۲۵ آن مقاله‌ای درباره ایران نوشته و عکس نسخه‌ای خطی را در آن آورده است. هوری‌ئی با دیدن عکس این نسخه فکر کرد که متن آن باید شعری از خیام باشد، پس نسخه‌ای از آن برداشت و برای استاد ماتسوموتو Matsumoto که فارسی می‌دانست فرستاد و ازو درینباره پرسید. ماتسوموتو پاسخ داد که به تعلق این شعرها به خیام مطمئن نیست، و شاید که از حافظ باشد.

«این نوشته قدیمی که روشن خواننده نمی‌شد از راهبی بودایی به نام کی‌سی جوه‌نین Kei Sei Jō-nin به یادگار مانده بود. هوری‌ئی در پی تحقیق دریافت که این نوشته در بوکیو دای جیتن Bukkiō Dāi Jiten (دایرةالمعارف بزرگ بودایی) چاپ شده و در آنجا نوشته است که این سند به معبد کوه‌زانجی Kōzānji تعلق دارد. این سند که به فارسی است و حاشیه‌ای به خط چینی دارد در سال ۱۲۱۷ نوشته شده بود و نمی‌توانست از حافظ باشد.»

ایزورو می‌افزاید: «کی‌سی جوه‌نین به چین رفته و در آنجا به یک نام‌بان‌جین Nām-ban-jin یعنی ایرانی برخورد و این ایرانی چند شعر فارسی برای او نوشته بود. راهب ژاپنی می‌خواست به هند، که ژاپن‌ها در قدیم آنرا تنجیکو Tenjiku می‌خواندند، برود، اما برای سختی سفر ازین کار گذشت و نومید به ژاپن بازگشت و آن دست‌نوشته را به دوست راهب خود میوه جوه‌نین Myōe Jō-nin داد.»

اما دیرزمانی پیش از آن، در سال ۱۹۱۷، استاد هانه‌دا توره‌رو Haneda Tōru، محقق

تاریخ و تمدن و زبانهای آسیای مرکزی، چین، مغولستان و ایران نخستین دانشمندی بود که این سند را بازشناخت و در مقاله‌ای تاریخچه آنرا بازنمود و از قول پژوهنده‌ای هندی به نام برکت‌الله نوشت که یکی از شعرهای نوشته در آن از شاهنامه فردوسی است: جهان یادگار است و ما رفتنی / بمردم نماند بجز مردمی، شعر دیگر با متن اصلی زیر: جهانِ خرمی با کس نماند / فلک روزی دهد روزی ستاند، از ویس و رامین است (نگاه کنید به مقاله اوکادا امیکو Okada Emiko. سخنی دیگر در بازشناسی بیتی از ویس و رامین در کهنترین نوشته فارسی بازمانده در ژاپن، در: مجلس بزرگداشت هزاره سروده شدن شاهنامه، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، آذر - دی ۱۳۶۹). دو بیت دیگر مندرج در این سند نیز، که رباعی است با متن زیر:

گر در اجلم مسامحت خواهد بود روشن کنم این دیده به دیدار تو زود
یعنی که خلیق گردد این چرخ کبود بدرود من از تو و تو از من بدرود

منسوب به خیام دانسته نمی‌شود.

خیام و دازای

دازای اوسامو Dazai Osamu (۱۹۴۸ - ۱۹۰۹)، نویسنده پرآوازه ژاپنی، یازده رباعی از خیام را، از ترجمه هوری‌ئی، در میان داستان معروف خود نینگن شیکاکو Ningen Shikaku (نا آدمیزاد) آورده است. ترجمه هوری‌ئی از رباعیات در سال ۱۹۴۷ منتشر شد و دازای این داستان خود را در اوایل سال ۱۹۴۸ به پایان برد و در ماه ژوئن همانسال خود را در رودخانه‌ای در توکیو انداخت و کشت. روح نا آرام و عاصی او و تلاشی که برای گریز از خود داشت و نفی و انکار جهان و طنز او در کار آن که در نوشته‌هایش پیداست، در او زمینه آماده‌ای برای قبول فلسفه «خیامی» - یا، در واقع، روایت و پرداخت فیتزجرالد از آن مناسب طبع و سلیقه اهل دنیا - ساخته بود. زندگی بی‌بندوبار دازای و بی‌قراری و نا آرامی همیشگی او معروف است و از مایه‌های شهرتش. با همین زمینه و گرایش ذهنی، سخن خیام در گذرا بودن جهان و ناپیدا بودن آغاز و انجام کار آدمی چنان بر دل او نشست که یازده قطعه از رباعیهای او را، از ترجمه هوری‌ئی، در داستان «نینگن شیکاکو»، که در واقع زندگینامه خود اوست، آورد. از دازای و این داستان او، که شهرت خیام و رباعیهای او را در ژاپن می‌رساند، و خود به این شهرت گستره‌ای بیشتر داده، در مقاله‌ای جداگانه سخن رفته است.

نگارنده این یادداشت در بررسی زندگی دازای و داستان معروف او، «نینگن شیکاکو»، و با دقیق شدن در ترجمه هوری‌ئی از رباعیات، که دازای شعرهای خیام را از آن برگرفته و در زندگینامه داستانش خود آورده است، به این نکته و نتیجه رسید که این نویسنده، به احتمال بسیار، عنوان کتاب خود، «نینگن شیکاکو» - به معنی «نا آدمیزاد» یا «پاک‌باخته» یا «نا اهل»، را باید از عبارتی از سخن خیام یا مفهوم آن در ترجمه ژاپنی، گرفته باشد. این مفهوم، به گمان قوی، با دیدن و خواندن

عنوان کتاب هوری ئی در ذهن او نشسته است. هوری ئی در پایین صفحه عنوان کتابش - ترجمه رباعیهای خیام به ژاپنی - یک رباعی را چون شاه‌سخن یا بیت‌الغزل کتاب در زیر تصویر خود آورده است که به ژاپنی چنین خوانده می‌شود:

می - شی کارا - نو - جی یو - نو - هوکا - نی جی یو تو یو

Sei-shi kara-no-jiyu-no-hoka-ni jiyu to yū

Mono wa nashi

مونو و ناشی

Shinuni kimatta konomi nari

شی نونی کیماتا کونومی ناری

این سخن را به فارسی می‌توان چنین معنی کرد:

از زادن و مردن گریز نیست

انسان را مرگ مقدر است

و آمدنم به این جهان عبث است.

سروده خیام پس از دو ترجمه یا در واقع روایت (به انگلیسی و پس از آن به زبان ژاپنی) رنگ و نمایی دیگر گرفته و بسیاری از تعبیرها و تصویرهای شاعرانه را از دست داده است. اصل این ترجمه می‌تواند رباعی زیر باشد:

از آمدنم نبود گردون را سود وز رفتن من جاه و جلالش نفزود

وز هیچ کسی نیز دو گوشم نشنود کاین آمدن و رفتنم از بهر چه بود

۹ - ترجمه اوگاوا ریو، ساکو Ogawa Ryōsuke از رباعیهای خیام در سال ۱۹۴۸ درآمد (نشر ایوانامی شوتن Iwanami Shoten، توکیو). کوزویاناگی تتسوئو در مقدمه ترجمه خود از رباعیهای خیام (نشر دایگا کو شورین Daigaku Shorin، توکیو، ۱۹۸۳) نوشته است که ۳۰ سال پس از ترجمه آزاکمی شیکهرو، اوگاوا نیز رباعیات را از متن اصلی فارسی، از چاپ ویراسته صادق هدایت، به ژاپنی درآورد، و کار او ترجمه‌ایست بسیار زیبا و روان و آسان‌فهم و با شرح و توضیح شعرها. ترجمه اوگاوا زبانی موزون و آهنگین و گوشنواز دارد، و بارها تجدید چاپ شده است. کتاب او ترجمه ۱۴۳ رباعی را دارد.

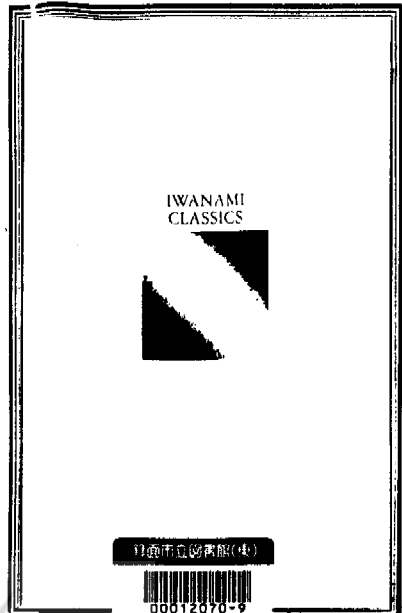
اوگاوا در مقدمه‌ای بر ترجمه خود از رباعیات خیام، شعر و اندیشه او را چنین معرفی می‌کند: «عمر خیام فیلسوفی مادی‌گرا بود، با روحی بس نقاد، و علیه زاهدنمایان فریاد برداشت... او ایرانی بود و دل با بهرام و دارا داشت. خیام احساسی از موجوء کان Mujōkan (گذرا و فانی و تهی بودن جهان) داشت، چنانکه سایگیو Saigyō^۱ راهب ژاپنی. اما سایگیو در انزوا سرکرد، حال آنکه خیام در جامعه و با واقعیت‌ها زیست. با اینکه او شاعری نفی‌گرا بود، یاده و ساقی و بلبل و گل، دل و جاننش را آرام می‌بخشید. خیام و مشرب او که ناپایدار بودن زندگی است گستره‌ای جهانی گرفت و او به غایت تفکر خود رسید. خیام در واقع اخترشناس بود و نظاره‌گر آسمان و ستارگان. او مرام اپیکوری (Epicurean در انگلیسی) نداشت و با چیزهای صوری و خیالی قانع نمی‌شد... تفکر او به «دریافتن لحظه» و شاد بودن رسید.»



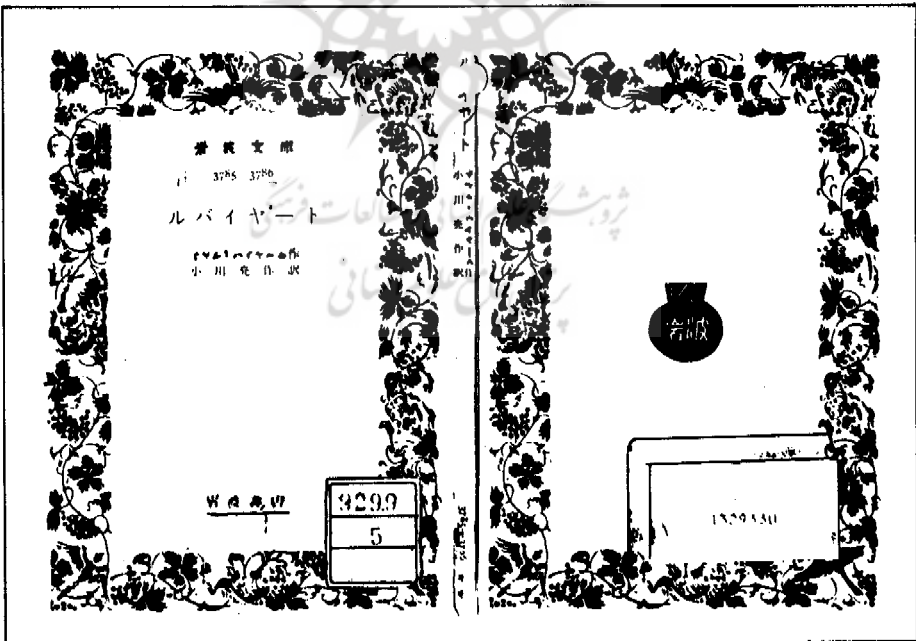
ルバイヤート

オマル・ハイヤム作
小川 亮 作訳

岩波クラシックス



روی جلد و پشت کتاب رباعیات خیام ترجمه اوگاوا ریوساكو (چاپ ۱۹۸۴)

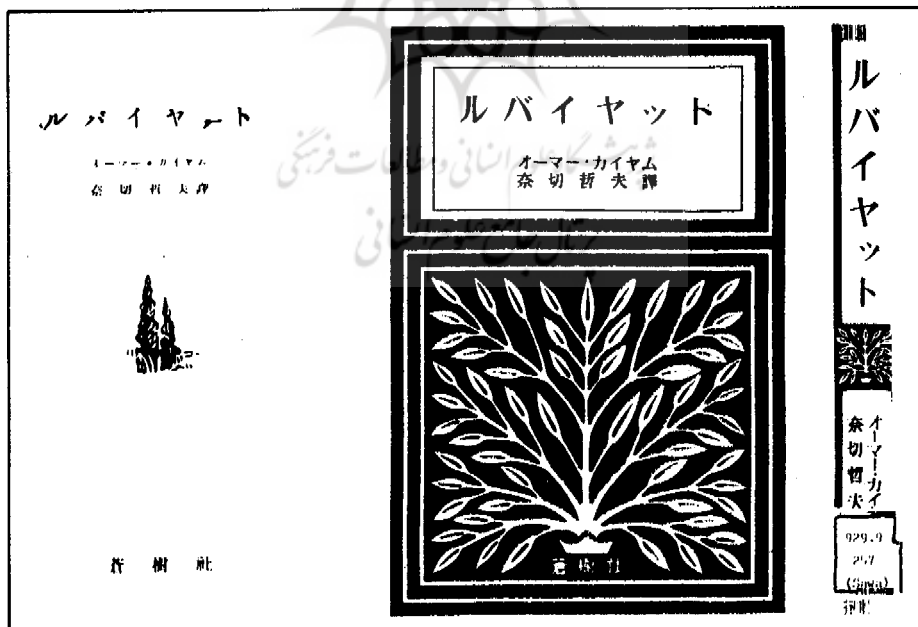


روی جلد و پشت کتاب رباعیات خیام ترجمه اوگاوا ریوساكو (چاپ پانزدهم ۱۹۶۷) این کتاب نیز به شیوه قدیم ژاپن از راست به چپ خوانده می شود.

۱۰ - ناگیری تتسوئو Nagiri Tetsuo ترجمه‌ای از ۱۰۱ رباعی خیام، از روی روایت فیتزجرالد، فراهم آورد که در سال ۱۹۴۹ منتشر شد (نشر سوءکیشا Sōkisha، توکیو). ناگیری در مقدمه خود می‌گوید که چهار سال در سالهای جنگ برای این ترجمه کار کرد. ترجمه ژاپنی او آهنگین است اما در قالب مرسوم شعر ژاپنی، بندهای ۵ و ۵ یا ۵ و ۷ هجایی، نمی‌گنجد، و با اینکه عبارت آن امروزی نیست، روان و آسان فهم است.

ناگیری در پایان کتاب خود شرح نسبتاً مفصلی دربارهٔ خیام، مشرب او و رباعیهایش آورده است، می‌گوید: «فکر شرقی نغی‌گرا و اندیشه غربی خوش‌بینانه است. خیام این جهان و زندگی را پوچ و گذرا می‌داند، که اندیشه‌ایست شرقی... ایران هم بر شرق، خاصه بر هند، و هم بر غرب نفوذ (ادبی و فکری) داشته است. خیام در اصل بدبین بود، اما در بند این احساس نماند و زندگی را به خوشی گذراند: «بر سنگ قبر شرقی نشست و به آفتاب غربی نگاه کرد.» خیام شاعری است دوتزاده، که به شرق و به غرب، هر دو، تعلق دارد.»


۱۱ - رباعیات ترجمهٔ ساوا ته‌زوئو Sawa Ezou در سال ۱۹۶۰ منتشر شد (نشر هییونشا، توکیو)، که ۱۲۱ قطعه داشت. ساوا ایرانشناس ایراندوست و استاد دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا بود. ترجمه‌ای هم که او از گلستان سعدی کرده یکی از ترجمه‌های خوب و معتبر این کتاب به ژاپنی است. کورویاناگی تتسوئو در مقدمه ترجمه خود از رباعیات آوزده است: «ساوا برای معرفی شعر خیام در کتاب خود به نام «سکای میشی شوء تاییسی؛ توء یوء» Sekai Meishi Shutāise Tōyō (مجموعه شعرهای معروف جهان: شعرهای خاورزمین)



روی جلد و صفحهٔ عنوان کتاب رباعیات خیام ترجمهٔ ناگیری تتسوئو (چاپ ۱۹۴۹)

۱۲۱ رباعی خیام را از کتابی از رباعیات چاپ تهران که ۴۴۴ رباعی داشت و کتابی چاپ کلکته که ۲۷۱ رباعی داشت برگزید و ترجمه کرد. مصحح کتاب چاپ تهران دانسته نیست. « این مأخذ باید کتاب رباعیاتی باشد، دارای ۴۴۴ قطعه، که با مقدمه و ترجمه حال خیام به قلم سعید نفیسی در سال ۱۳۰۶ (یا، به نوشته داخل جلد، اسفند ۱۳۰۵) در تهران به وسیله کتابخانه فردوسی منتشر شده است. نسخه‌ای از این کتاب اکنون در مجموعه مرحوم ساوا در کتابخانه دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا موجود است که در حاشیه شماری از رباعی‌ها اعدادی با مداد نوشته شده و در جای جای نیز کلمه یا عبارتی متفاوت، احتمالاً یافته و برگرفته از نسخه دیگر و شاید همان نسخه چاپ کلکته، افزوده شده است.

۱۲ - کورویاناگی تسوتسو Kuroyanagi Tetsuo ترجمه تازه‌ای از ۱۷۸ رباعی خیام، بیشتر برای استفاده درسی، فراهم آورد که در سال ۱۹۸۳ منتشر شد (نشر دایگاکو شورین Daigaku Shorin، توکیو). استاد کورویاناگی در میان ایران‌شناسان کنونی ژاپن به فارسی‌دانی و تنوع ترجمه‌هایش از متون ادب فارسی ممتاز است و در سالهای اخیر با تألیف دو فرهنگ فارسی به ژاپنی و ژاپنی به فارسی خدمتی ارزنده به گسترش آشنایی با زبان و ادب فارسی در میان ژاپنیان کرده است. چنانکه خود او در مقدمه ترجمه اشعار خیام می‌گوید (ص. شانزده) این رباعیها را از روی چاپهای متعدد شعرهای خیام در ایران و خارج، و از آن میان چاپ فروغی و غنی (تهران،

	黒柳恒男 訳注
	大学書林
	定価 3000円
	黒柳恒男 訳注
	大学書林

ル
バ
ー
イ
ヤ
ー
ト
オ
マ
ル
・
ハ
イ
ヤ
ー
ム
ル
ノ
バ
ー
イ
ヤ
ー
ト
黒柳恒男 訳注
大学書林

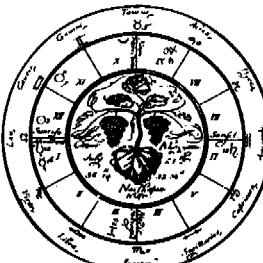
مطالعات فرنگی
مجموعه علمی و ادبی
مطالعات فرنگی

۱۳۶۱) به ژاپنی برگردانده است. این ترجمه متن فارسی و شرح لغات نسبتاً دشوار هر رباعی و آوانگاری اشعار را با حروف لاتین همراه دارد. ترجمه شعرها در این کتاب لفظی و رسمی است. ۱۳ - سرانجام، ترجمه ایدا توشی ناگا Iida Toshinaga از رباعیهای خیام (نشر نان اوندو Nánundo، توکیو، ۱۹۸۹) را در دست داریم، حاوی ۷۵ رباعی که از روی روایت انگلیسی فیتزجرالد به ژاپنی درآمده است. ایدا (متولد ۱۹۴۳) دانشگاه بودایی ریوکوکو Ryukoku را گذرانده و اکنون مدرّس دانشگاه ریتسومی کان Ritsumeikan است. مترجم در مقدمه خود بر این کتاب می نویسد: «خیام را عموماً قضا و قدری و عشرت پرست دانسته اند، اما او شخصیتی متین و در زندگی جدی بوده است و صاحب تأمل. زندگی خالی از معرفت بیهوده و تهی است. پس او به دنبال حقیقت رفت و در پی نور ازلی. چنین می دید که زندگی شمع است که با سوختن آن جان و دل آدمی فروغ می گیرد... پس از این سوختن، زندگی کیمیا می شود و انسان به نور حقیقی می رسد. باده و دلدار مطلوب است و آخرین پناهگاه ما در هیاهوی زندگی، اما اینها به هیچ می رسد و انسان همه امیدش را از دست می دهد. خیام دل به یأس نداد و آرامش و وقار را نگهداشت، و در حقیقت زندگی تفکر کرد. مرگ، سرانجام محتوم زندگی است، پس باید که هر لحظه از آنرا دریافت و نهایت بهره را از آن بُرد. خیام دلی صافی داشت و شاعری راستین بود.» ترجمه ایدا به صورتی آراسته و زیبا و پاکیزه چاپ شده و در برابر هر رباعی این کتاب یکی از نقاشیهای چاپ فیتزجرالد آمده است. این ترجمه ساده است، نه چندان ادبی، و برای جوانان، آسان فهم، اما تصویری «خیامی» از رباعی ها به دست نمی دهد.

ルバイヤート

オウマ・カイヤム四行詩集

エドワード・フィッツジェラルド
井田俊隆 訳




南雲堂

ISBN4-523-29186-1 C3098 P2300E 定価 2300 円
(本体2233円)


ル
バ
イ
ヤ
ー
ト

オウマ・カイヤム四行詩集

井田俊隆 訳



O 曲直 図書館



929.9

صاحب‌دلی دلباخته خیام

در پایان این گفتار، شایسته است که از آشی‌کاگا آتسوجی Ashikaga Atsujii ایرانشناس فقید و ایراندوست صاحب‌دل ژاپنی یاد شود. او در دو بهره از یادداشت‌های سفرش در ایران^۹ از شناخت و دریافت خود از خیام و شعر او گفته و از یاد و خاطره و احساس خود از دیدار نیشابور و مزار خیام سخن آورده است.

آشی‌کاگا می‌نویسد: «در سال ۱۹۳۴ که برای شرکت در جشن هزاره فردوسی به ایران رفتم، در راه عزیمت به توس با همراهان از نیشابور و آرامگاه خیام دیدن کردیم. از تهران تا آنجا با ماشین سه روز راه بود، و در میان راه مناظر زیبایی از کوه و کویر.

«چند ترجمه ژاپنی از رباعیات را خوانده‌ام، و در آنها مروری می‌کنم. آراکی شیگه‌رو از متن (فارسی) کهنه موجود در کتابخانه دانشگاه اکسفورد Oxford ترجمه کرده است، و یانو از روایت انگلیسی فیتزجرالد. ترجمه دیگری می‌شناسم از رباعیات به فرانسه که نیکولا Nicolas، که در سال ۱۸۶۷ در رشت بوده، کرده است، و از فارسی به فرانسه. این ترجمه به اصل شعر خیام نزدیک است. برای نمونه، یانو این رباعی را از روایت فیتزجرالد به ژاپنی برگردانده است:

این کهنه رباط را که عالم نامست

آرامگه ابلق صبیح و شام است

بزمیست که وامانده صد جمشید است

قصریست که تکیه‌گاه صد بهرام است

رباط یا کاروانسرا در اینجا معنی عمیق دارد. کاروان راه را به اینجا پایان می‌دهد و در آن منزل می‌کند و می‌آرامد. همچنین، زندگی آدمی نیز پایان می‌گیرد، با یک خواب جاودانی. در کلام زرتشت، در اوستا، یسنا ۵ - ۳۳ آمده است:

«چون که مردمان به کاروانسرای می‌رسند، دهنه از اسب برمی‌دارند و از کاروانسرادار می‌خواهند که شب درینجا منزل کنند.

«آدم دهنه اسبش را رها می‌کند و از سروش اهورامزدا می‌خواهد که به خوابی جاودانه زود»^{۱۰}

«کاروانسرای ایرانی از آجر ساخته شده و در میان آن حیاطی است. مسافر در بالاخانه دروازه کاروانسرا می‌خوابد، و اسب‌ها و شترها در (سکوی) میان کاروانسرا می‌آسایند.

نیشابور در خراسان است و از بناهای شاپور اول و دوم. اینجا در قرون میانه شهری پررونق بود. نیشابور برای قالبهای زیبای خراسانی و فیروزه نیشابوری و پسته آن معروف است. ... از دشتها و کوهها گذشتیم. اینجا و آنجا درختی و جویباری می‌دیدیم. ایرانیها جویبار خنک را بسیار دوست می‌دارند. هر جا کنار آب روان دو سه کس در سایه درختی نشستند و چای دم کرده بودند، می‌نوشیدند و شعر می‌خواندند، از سعدی، حافظ و خیام. گمان دارم که این بهترین خوشی آنهاست. ایرانیها بسیار شعر دوستند. با آنها که دیدار می‌کردم همیشه از شعر حرف می‌زدند و از

بلند خواندن شعر لذت می‌برند، مانند این رباعی که از ترجمهٔ یانو می‌آورم:

گر دست دهد ز مغز گندم نانی
وز می دو منی ز گوسفندی رانی
با ماهرخی نشسته در ویرانی
عیشی بُود آن نه حدّ هر سلطانی

«از تک‌درخت‌ها و جویبارهای بسیار گذشتیم، و به آرامگاه خیام رسیدیم. نزدیک آرامگاه بقعهٔ (امامزاده محمد محروق) است و جویباری با آب صاف و خنک از میان درختان نزدیک آنجا می‌گذرد. جویبار در میان سکوت درختان زمزمه‌ای رازگونه دارد.

«بار اولی که مزار خیام را دیدم، اینجا تصویر آرامگاه کیورای^{۱۱} در راکوشی سیا Rakushisya در کیوتو را در ذهنم زنده کرد. اما خاک خیام چیز دیگری بود. از فضای آن بسیار خوشم آمد. باغ آرامگاه پر از گل‌های زیبا و درختان گردو و انار و انواع میوه‌های دیگر بود. باغ میوه و آب‌نما و فوارهٔ باغ‌های ایرانی را بسیار دوست می‌دارم. باغ ایرانی لطف و صفای خاصی دارد. در اردیبهشت که موسم گل سرخ است، همه‌جا بوی گل به مشام می‌آید. در ترجمهٔ فیتزجرالد، شمارهٔ ۹۷، می‌خوانیم:

چون بلبل مست راه در بستان یافت
روی گل و جام باده را خندان یافت
آمد بزبان حال در گوشم گفت
دریاب، که عمر رفته را نتوان یافت

«این شعر درست حال و هوای اردیبهشت ایران را وصف می‌کند... بهار ایران بس دلپذیر و فرح‌انگیز است. زمستان را که ایرانیها زیر کرسی گذرانند، بهار می‌رسد، هنگامی که بالای کوه‌ها هنوز از برف سپید است. بسیاری گل‌های زیبا می‌شکفد، و شکوفهٔ زردآلو باز می‌شود. همه چیز تازه و زیباست. نوروز دل‌انگیزترین فصل ایران است، نه چون نوروز ژاپن سرد. در روایت فیتزجرالد از خیام می‌خوانیم:

چون لاله بنوروز قدح گیر بدست
با لاله‌رخی اگر ترا فرصت هست
می‌نوش بخزمی که این چرخ کبود
ناگاه ترا چو خاک گرداند پست

و باز:

چون مرده شوم بیاده شوید مرا
تلقین ز شراب و جام گوید مرا
خواهید بروز حشر جوید مرا
از خاک در می‌کده شوید مرا

«بر مزار خيام وقت خوشی داشتيم و درباره خيام فكر كرديم. گفتند كه پيشتر دوروبر اينجا انگورستان بود. آن بسي بهتر ازين سنگ مرمرى بوده كه اكنون برگور او افتاده است» و با حال و هواى خيام نمى خوانند. اميد داشتم كه از گور خيام بوى باده بيايم، اما نه. پشت آرامگاه او با همراهان (مهمانان جشن هزاره فردوسى) ناهار خورديم. يكي از ميان گروه، شاعر معروف انگليسى به نام درينك واټر Drinkwater به بيان احساس خودش از زيارت مزار خيام پرداخت، و از شعر او گفت، و شعري هم به باده ساخت و برايمن خواند. او «كوزه نامه» خيام را در ياد داشت و خواند.

«كوزه نامه» (رباعيهائى خيام كه با تمثيل كوزه و كارگاه كوزه گرى، سرنوشت آدمى را تصوير مى كند) پيام نفى گرايى خيام است. خدا آدم را از گل آفريد و در او جان دميد. كوزه و آدم هر دو از گل سرشته اند. پياله شراب هم از خاك است. آفريدگار ما را چون كوزه آفريده است. هر كوزه بايد غايت و هدفى براى هستى خود داشته باشد. اگر ما كوزه ها غايت وجود خود را بدانيم، خوشنوديم. اگر در ما كوزه ها شراب خوب (كه همان جان صافى است) بريزند، كوزه ها مى توانند ارزش وجود و معنائى هستى و زندگى خود را بدانند ...

«خيام هنر شاعرى را با فضيلت عالمى جمع داشت، و در زندگى خود موازنه اى ميان آنها ساخت. من او را بهترين شاعر ايران مى دانم. دو بار، در سالهاى ۱۹۳۴ و ۱۹۶۴، آرامگاه او را در نيشابور زيارت كردم. سرنوشت، شگفتى آفرين است.»^{۱۲}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

يادداشت ها:

- ۱- نامه‌های ژاپنی در این نوشته به شیوه مرسوم در ژاپن - نخست نام خانواده یا خاندان و سپس نام کوچک - آمده است.
- ۲ - در افسانه‌های چینی آمده است که هفت مرد حکیم یا فرزانه بودند که از دنیا کناره گرفته در نیستانی می‌زیستند و باده می‌نوشیدند و جنگ می‌نواختند.
- ۳ - اپیکوروس Epicures = اپیکور Epicür = اپیکورس Ebiqurs در مآخذ اسلامی، ۳۴۱ - ۲۷۰ ق.م.، فیلسوف یونانی که در تعریف فلسفه می‌گفت فن حصول سعادت در زندگی است و خیر را منحصر به لذت معنوی یا آرامش درونی می‌دانست. تعلیم او بعدها بفلط و بخلاف منظور او بفلسفه عیش و نوش و درک لذات جسمانی معروف شد. ← لوکرتیوس.

لوکرتیوس: او نظریه‌های اپیکور را تعبیر کرده و خواسته است از توس آدمیان درباره عاقبت کار جهان بکاهد.
(مصاحب، دایرةالمعارف فارسی، زیر عنوانهای اپیکوروس و لوکرتیوس)

4 - Kato Shuichi: A History of Japanese Literature, The First Thousand Years, David Chibbett (tr.), Kodansha, Tokyo, 1979, pp. 72-73.

5 - The Man'yōshū: One Thousand Poems; The Nippon Gakujutsu Shinkōkai, Iwanami Shōten, Tokyo, 1940, p. XVII.

۶- هرن در سال ۱۸۵۰ از پدر و مادری ایرلندی - پرتغالی در یکی از جزایر یونانیان Ionian زاده شد. در جوانی در فرانسه و انگلیس درس خواند، و در سال ۱۸۶۹ به آمریکا رفت و به روزنامه‌نگاری و نویسندگی پرداخت. گریز از مادیگرایی غرب او را در سال ۱۸۹۰ به ژاپن کشاند، و اینجا را چنان جذاب دید که خواست تا مانده عمر را در این دیار سر کند. پس با زنی ژاپنی به نام ستسوکو کوایزومی Setsuko Koizumi عروسی کرد و چندسالی (۱۹۰۳-۱۸۹۶) به تدریس انگلیسی در دانشگاه سلطنتی ژاپن پرداخت، ژاپنی شد و نام خانوادۀ همسرش را اختیار کرد و نام کوچک یاگومو Yagumo را. اما در سالهای آخر زندگیش از بهشت تازه سر خورد و اینجا را هم مادی دید. او در سال ۱۹۰۴ درگذشت.

۷- شعر فارسی در آن روزگار به چین رسیده و آنجا بر زبانها بود. ابن بطوطه در سفرنامه خود آورده است: «امیر بزرگ «قزطی» که امیرالامرای چین است ما را در خانۀ خود مهمان کرد و دعوتی ترتیب داد که آنرا «طوی» می‌نامند و بزرگان شهر در آن حضور داشتند. در این مهمانی آشپزهای مسلمان دعوت کرده بودند که گوسپنداها را ذبح کرده غذاها را پختند. این امیر با همه عظمت و بزرگی که داشت به دست خود به ما غذا تعارف می‌کرد و قطعات گوشت را بدست خود از هم جدا می‌کرد و بما می‌داد. سه روز در ضیافت او بسر بردیم، هنگام خداحافظی پسر خود را با اتفاق ما به خلیج فرستاد و ما سوار کشتی شبیه حراقه شدیم و پسر امیر در کشتی دیگری نشست، مطربان و موسیقی‌دانان نیز با او بودند و به چینی و عربی و فارسی آواز می‌خواندند. امیرزاده آوازهای فارسی را خیلی دوست می‌داشت و آنان شعری به فارسی می‌خواندند، چند بار به فرمان امیرزاده آن شعر را تکرار کردند چنانکه من از دهان‌شان فراگرفتم و آن آهنگ عجیبی داشت و چنین بود:

تا دل به محنت داده‌ام / در بحر فکر افتاده‌ام
چون در نماز استاده‌ام / گویی به محراب اندری»

(ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمۀ محمدعلی موحد، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۰۵)
در کتاب «زمینه‌شناسخت موسیقی ایرانی» (فریدون جنیدی، بی‌نا، ۱۳۶۱، ص ۹۸-۹۷) در اینباره می‌خوانیم:
«این شعر چنانکه مرحوم قزوینی نیز گفته است از سعدی است، از غزلی که با این بیت شروع می‌شود:
صورتگر دیبای چین رو صورت یارم بسین / یا صورتی برکش چنین یا ترک کن صورتگری
تا آنجا که:

تا دل بمرهت داده‌ام، در بحر فکر افتاده‌ام / چون در نماز استاده‌ام، گویی بمحراب اندری»

۸ - Saigyō Hōshi (۱۱۹۰ - ۱۱۱۸): راهب و شاعر قلندر که دم را غنیمت می‌شمرد و به مال دنیا اعتنا نداشت، جاه و دستگاه را رها کرد و زندگی بی‌قید در پیش گرفت. در فرهنگ تاریخی و جغرافیایی ژاپن درباره سایگیو می‌خوانیم: «او از اعیان فوجی‌وارا هیدهساتو Fujiwara Hidesato بود و ساتوئه نوریکیو Satō

Norikiyo نامیده می‌شد. در کمانگری چیره‌دست بود و بسیار طرف توجه توپا Toba، امپراتور کناره گرفته، واقع شد که به او در میان نجیب‌زادگان ملازم خود پایه‌ای داد و از شعر او لذت می‌برد. اما سایگیو به ۲۳ سالگی همسر و فرزندان را رها کرد، به ساگا Saga رفت و با اختیار کردن نامهای سایگیو و ین-ئی En-i راهب بودایی شد. او از ولایتی به ولایتی سفر می‌کرد، موعظه می‌کرد و شعر می‌خواند. این شیوه زندگی او مونگوکوئو - شونین Mongoku-Shōnin معروف (راهب متنفذ و ماجراجوی سده دوازده که با فرمانروایان وقت ارتباط و در سیاست آنها نفوذ داشت) را ناخوش آمد، چون که او را مایه رسوایی بوداییگری می‌دید تا آنجا که گفت اگر او بیراه شود (یا پا از گلیم خود درازتر کند) سرش را خواهد شکست. سایگیو که اینرا شنید راه معبد تاکائو - سان Takao-san را در پیش گرفت و نزد مونگوکوئو رفت، که او را از گفت‌وگو با وی بسیار خوش آمد، و چون یکی از شاگردانش ازین اظهار رضایت او تعجب کرد، مونگوکوئو گفت: «پس تو سایگیو را ندیده‌ای؛ اگر ما با هم درافتیم، یقین است که از جدل پیروز برنخواهم آمد!» سایگیو از آنجا به کاماکورا Kamakura رفت و به دیدن یوریتومو Yoritomo فرمانروای لشکر ژاپن. یوریتومو از صحبت با او درباره شعر و تیراندازی مسرور شد و هنگام عزیمتش گربه‌ای ساخته از نقره به او هدیه داد، که راهب آنرا به نخستین کودکی که در راهش دید بخشید. او سپس روانه شمال، که بیشتر در آنجا اقامت می‌گزید، شد. سایگیو، در هفتادسالگی در کیوتو درگذشت، و دو دیوان شعر از خود به یادگار گذاشت.

(E- Papinot; Historical and Geographical Dictionary of Japan, Tuttle, Tokyo, 1972, pp. 526-27).

۹- نگاه کنید به مأخذ زیر (به ژاپنی):

Ashikaga Atsujii; Ashikaga Atsujii Chosakushu, in: Iran Gaku; Ito Gikyo & Imoto Fiichi (ed.), Tokyo, Tōkai Daigaku Shuppankai, 1988, pp. 94-98 & 100-109.

۱۰- چون ترجمه یسنا به فارسی یا زبانهای اروپایی در دسترس نبود، مفهوم کلام از نوشته آشی‌کاگا آورده شد.

«سروش کسی است که روان را پس از مرگ خوشامد می‌گوید و از آن مراقبت می‌کند. همراه با مهر و زشن بر دایوری روان ریاست دارد.» (جان هینلز، شناخت اساطیر ایران، ترجمه زاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ص ۷۹).

۱۱- مؤکای کیورای Mukai Kyorai (۱۷۰۴ - ۱۶۵۱) یکی از وفادارترین شاگردان باشو Basho، «هایکو» سرای معروف ژاپن و پیرو سبک وی بود. کیورای پس از آنکه باشو در سال ۱۶۸۵ به کیوتو آمد، به او پیوست.

۱۲- کوتاه‌شده از یادداشت‌های ایرانشناسی آشی‌کاگا آتسوجی، مأخذ یادشده، صفحه‌های ۱۰۸ - ۱۰۰ و ۹۸ - ۹۶.